

بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

برگردان: هاشم رضائی

توضیح کوتاه:

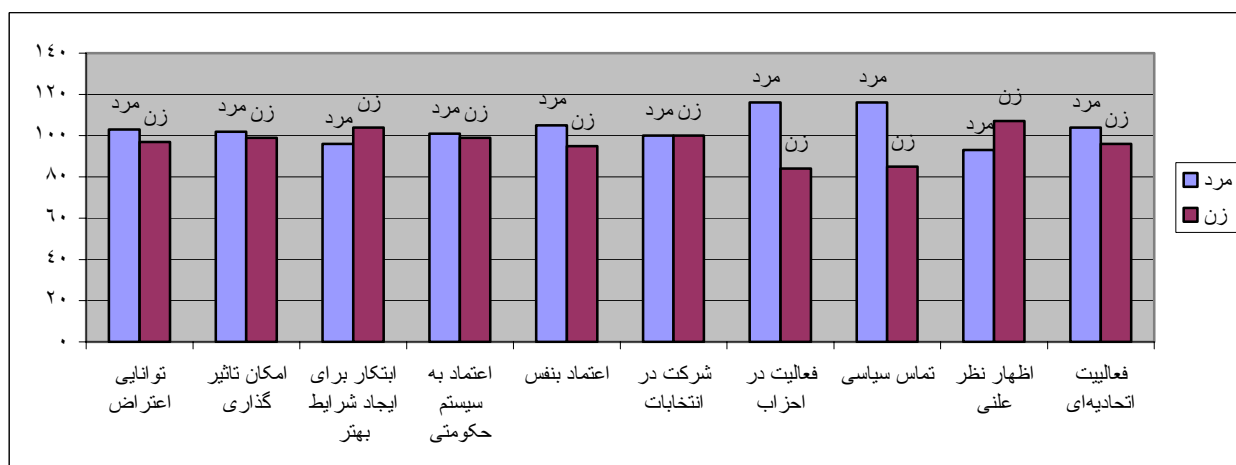
شورای دموکراسی در سوئد (demokratirådet) از چند نفر کارشناس مستقل مسائل سیاسی تشکیل شده است. این شورا هر ساله به انتشار گزارشی پیرامون مفاهیم، تحلیلها و نتایج تحقیقات در زمینه دموکراسی وابسته به علوم سیاسی میپردازد. هدف از این گزارشات سالانه آنست که بحثهای سازنده و مبنی بر واقعیات در باره شرایط دموکراسی را تشویق و ترغیب نماید. گزارش سال ۱۹۹۸ آنان در مورد دموکراسی و شهروندی بود. بمناسبت ۸ مارس دو بخش کوتاه گزارش را، هر چند که مختص به جامعه سوئد میباشد، ترجمه و در اختیار علاقمندان به این مساله قرار میدهم. (مترجم)

۱. زنان و مردان

تحقیقات فراوانی در کشورهای مختلف در طی سالهای اخیر نشان داده است که زنان در میان فعالین سیاسی دارای معرف کافی نیستند. با این وجود اولین تحقیقات سال ۱۹۸۷ بمعنای تعدیل و تغییر در این تصویر بود. مردان یقیناً در حوزههای مشخصی بالاترین حضور و شرکت را داشتند اما در حوزههای دیگر، حوزههایی که در تحقیقاتهای قبلی مورد توجه قرار نگرفته بودند، زنان تسلط داشتند. اکنون سوال اینست نتایج تحقیقات سال ۱۹۹۷ در چه وسعتی قرار گرفته است.

در زمینههای متفاوتی که ما تحقیق کرده بودیم تفاوتهای چشمگیری بنظر نمیرسد (نمودار ۱)

نمودار ۱: جنسیت و شهروندی



در دو مورد زنان برتری قطعی دارند. در زمینه دموکراسی کوچک زنان عموماً اشتیاق و تمایل بیشتری برای بدست گرفتن ابتکار برای ایجاد شرایط بهتر دارند. در این نکته بایستی توجه داشت که در میان این نقشهای متفاوت تنوع زیادی وجود دارد. فعالیت بیشتر در میان زنان بطور روشن مخصوصاً در نقش والدین کودکان خردسال و در نقش مریض و یا فامیل و بستگان مشخص گردیده است. در نقشهای دیگر اختلافات کمتر است و در مواردی در جهت عکس آنست. در زمینه دموکراسی بزرگ زنان شرکت بیشتری در انواع اظهار نظرهای علنی دارند. از جنبه‌هایی در نمودار فوق برتری و تسلط مردان مشهود است، از جمله در فعالیت سیاسی و

تماسهای سیاسی. (منظور از تماس سیاسی، تماس با مقامات دولتی و اعتراض به تصمیمات آنانست، مترجم)

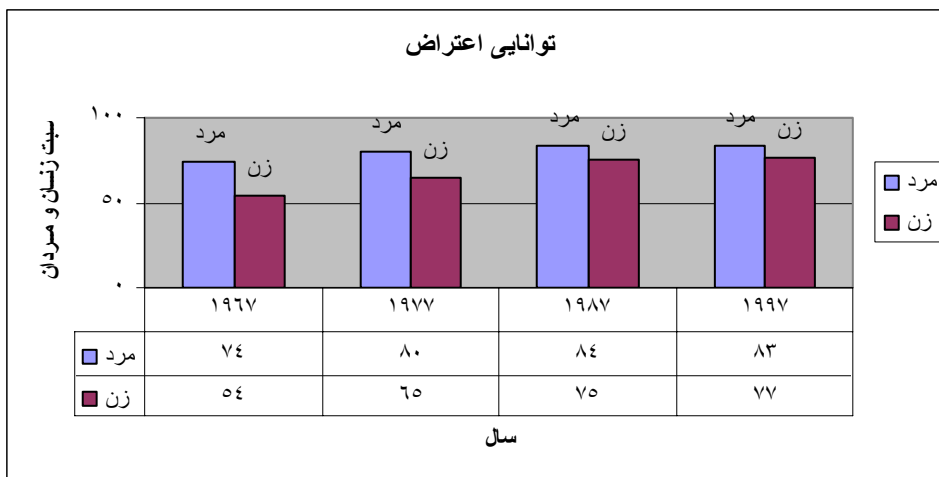
نتیجه کاملاً روشن و آشکار نیست. در حوزه‌هایی میان فعالیتهای اجتماعی زنان و مردان تفاوتی مشاهده نمیشود. البته فعالیتهای حزبی و تماسهای سیاسی برتری مردان را نشان میدهد، اما فرمهایی برای شرکت و فعالیت وجود دارد که در آنها زنان بیشتر فعال هستند.

همچنین تحقیقات سال ۱۹۹۷ مدارکی را مبنی بر افزایش اختلاف بین فعالیتهای زنان و مردان را نشان نمیدهد. برعکس روند عمومی آنست که اختلافات در میزان فعالیتها کاهش یافته است هر چند این کاهش در همه

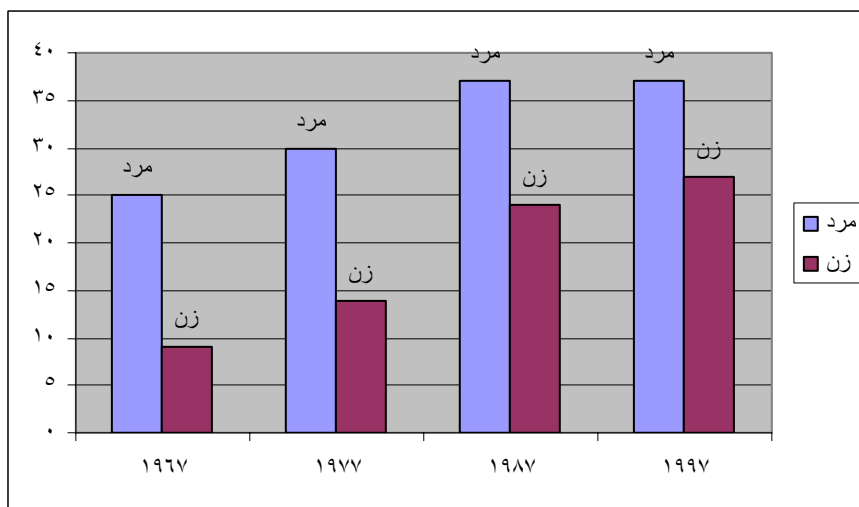
محورها از لحاظ آماری تامین نگشته‌اند. گرایش و پیشرفت در جهت افزایش برابریهای سیاسی زن و مرد که در تحقیقات سال ۱۹۸۷ ارائه شده بود در طی دهه اخیر هم ادامه داشت.

بعنوان یک مثال روشن و قابل تفهیم میتوان قابلیت و توانایی اعتراض کردن به تصمیم مقامات دولتی را ارائه داد. دقیقا این معیار خصوصا جالب است چرا که این معیار حتی در تحقیقاتی که برای میزان سن صورت گرفته بود موجود میباشد. این مساله امکان اینرا میدهد که جریان رویدادهایی را که در طی ۳۰ سال گذشته اتفاق افتاده‌اند پیگیری کرد. نمودارهای زیر تغییرات توانائی اعتراض را در میان زنان و مردان نشان میدهد.

نمودار ۲: توانایی اعتراض به تصمیمات مقامات دولتی برای زنان و مردان در طی سالهای ۱۹۶۸-۱۹۹۷



نمودار ۳: شکل دهی به افکار عمومی برای زنان و مردان در طی سالهای ۱۹۶۸-۱۹۹۷



یقینا یک اختلاف برجای مانده است و آنهم قبل از هر چیز زنان مسن با سطح تحصیلات پایین که میپندارند که امکان و توانایی آنها ندارند که به تصمیمات گرفته شده از جانب مقامات دولتی اعتراض کنند. ۳۰ سال قبل اختلافات بر اساس جنسیت کاملا بیشتر بود. پیشرفت و تکامل در این رابطه به اینمعنی است که برابری سیاسی حقوق زنان و مردان، اگر چه به آن نرسیده‌ایم، در هر حال به آن نزدیکتر شده‌ایم.

این مدل و الگو برای این معیارها منحصر بفرد و استثنایی نیست. حتی هنگامیکه مساله مربوط به شکل دادن افکار عمومی بشیوه فردی باشد فاصله بین دو منحنی کوتاهتر میشود. میزان اختلافات فعالیت در امور سیاسی بر اساس جنسیت کمتر میشود.



۲. قدرت بر سر موضوعات مورد بحث

سالها طول کشید تا زنان توانستند مسائل خود را از لحاظ سیاسی به موضوع مورد بحث تبدیل کنند. در قرن ۱۸ مبارزه شامل اعلام بلوغیت زنان بود (زنان در سن ۲۵ سالگی بعنوان بالغ شناخته میشدند، مترجم). پس از آن مساله محوری حق رای برای زنان بود. شرط لازم برای پیشرفت در اینمورد آن بود که مساله زنان به یک موضوع برای بحث علنی تبدیل گشت و بعنوان یک مشکل اجتماعی پذیرفته شد.

لیکن تصمیمات رسمی و ظاهری کافی نبودند. یقینا زنان اجازه یافتند که دارای حق رای باشند و تعداد اندکی نیز بعنوان نماینده برای پارلمان انتخاب گردیدند، اما سیاست کماکان مثل گذشته در قلمرو و مالکیت مردان بود. این خطر وجود داشت که مسائل مورد علاقه و دلبستگی زنان دائما فراموش و به خارج از مسائل مربوط به عموم مردم کشیده شود.

بهمین خاطر یک بسیج جدید لازم بود تا مساله زنان مجددا به موضوع مورد بحث تبدیل گردد. در سال ۱۹۶۰ بر خلاف روشهای معمول متدهای اعمال فشار پدیدار گشت. این مبارزات و اقدامات موفقیت آمیز بودند، که منجر به تصمیماتی بعنوان مثال: قانون برابری زن و مرد، رفرم برای خانواده‌های دارای کودکان خردسال، سقط جنین و قرص ضد حاملگی گردید. این رفرم و اصلاحات بر احزاب و ارگانهای سیاسی موجود تاثیر گذاشت.

با وجود اینها برابری زن و مرد هنوز نا مشخص، دور و نا روشن بود. تنها ۲۱٪ از نمایندگان پارلمان در سال ۱۹۷۴ زن بودند. "دموکراسی ناتمام" عنوان گزارشی بود که در آن محققین زن اروپای شمالی موقعیت را جمع‌بندی کرده بودند. یک بالانس جنسی مساوی در پارلمان و دولت ضروری پنداشته شد برای اینکه اطمینان حاصل شود که مساله زنان بعنوان موضوع جلسات سیاسی پابرجا بماند.

حکومت درگیر مساله مبارزه زنان گردید. دولت یک هیئت رسیدگی بنام "زنان یک در میان" تشکیل داد و این هیئت ماموریت یافت برای بهتر شدن وضع اقداماتی را پیشنهاد کند تا تعداد نمایندگان زن را در ارگانهای دولتی افزایش دهد. علیرغم این سرمایه‌گذاریها تعداد نمایندگان زن در پارلمان از ۳۸٪ در سال ۱۹۸۸ به ۳۳٪ در سال ۱۹۹۱ تقلیل یافت. مبارزه زنان در سال ۱۹۹۲ وارد مرحله جدیدی شد. زمان تغییر کرده بود و تاکتیک دیگری لازم بود تا مساله زنان را به موضوع مورد بحث در جامعه تبدیل کند. شبکه نهضت زنان بنام (Stödstrumporna) پشتیبانی و دفاع از این جنبش را سازماندهی کرد و به یکی از مطالب رسانه‌های گروهی تبدیل گردید. نویسنده و چهره شناخته شده خانم Maria- pia Boethius یکی از سخنگویان این جنبش بود. دو نفر دیگر Ebba Brattström و Agneta Stark اکادمیسینهایی ماهر در بحث و مجادله بودند. خانم Maria- pia در باره یک "شورش زنان در حال انجام" صحبت کرد. ایشان در یک مناظره جالب توجه چنین نوشت: "بیش از این جایز نیست که 'مساله زنان' به انجمن زنان در احزاب سیاسی ارجاع شود. مساله زن نباید یکنوع مساله جانبی باشد بلکه باید در کلیت حزب مورد بحث و گفتگوی جدی واقع شود."

نهضت (Stödstrumporna) تهدید کرد که یک حزب مستقل زنان را تشکیل خواهد داد اگر احزاب موجود مساله زن را جدی نگیرند. سنجش افکار عمومی نشان میداد که از هر ۳ نفر سوئدی یک نفر به حزب زنان رای میداد. رسانه‌های گروهی مساله را مورد توجه جدی قرار دادند. احزاب سیاسی موجود و انجمنهای زنان وابسته به این احزاب یک سری ایده‌هایی را معرفی کردند در باره اینکه چگونه سیاست و خطمشی احزاب آنان بیشتر مناسب حال زنان می‌گردد. بدینوسیله نقشه‌هایی برای ایجاد یک حزب جدید زنان هیچگاه لازم نبود عملی گردد.

^۱ Stödstrumporna نهضتی فیمینیستی بود که در سال ۱۹۹۴ با شعار "کلیه حقوق، نصف قدرت" تشکیل شد. این نهضت با تهدید به تشکیل یک حزب مستقل زنان موفق گردید که احزاب سیاسی را وادار نماید که تعداد کاندیداهای زن بیشتری را در لیست کاندیدهای خود برای انتخابات پارلمان معرفی کنند و همچنین بیشتر به مساله زنان بپردازند.

انجمن زنان سوسیال دموکراتها میخواست قبل از انتخابات سال ۱۹۹۴ لیستی داشته باشد از زنان با برنامه سیاسی خودش. این پیشنهاد تلاشی بود تا مانع خروج زنان معترض در انجمن زنان سوسیال دموکراتها و ایجاد حزب مستقل زنان گردد. سکرتر حزب سوسیال دموکراتها Mona Sahlin و Margot Wallström عضو هیئت وزرا، یکسال پس از آنکه مساله زنان به مساله روز رسانه‌های جمعی تبدیل شده بود پیشنهاد کردند که حزبشان میبایست از لیست تهیه شده از زنان و مردان قبل از انتخابات ۱۹۹۴ استفاده میکرد. رهبر حزب سوسیال دموکراتها (Ingvar Carlsson) قول داد که اگر حزب آنان در انتخابات پیروز شد در دولت جدید از هر دو وزیر یکی از آنان زن باشد. تعداد زنان در پارلمان به ۴۱٪ افزایش پیدا کرد. دولت سوئد با تعداد ۵۰٪ وزیران زن در کابینه در سطح جهان پیشقدم بود.

تجربه مبارزات زنان برای جلب توجه افکار عمومی به مساله خودشان یک مثال بنیادی جالب را نشان میدهد و آنهم اهمیت و جایگاه قدرت برای تعیین موضوعات سیاسی مورد بحث است. مراقبت دائمی و استفاده از تاکتیکهای جدید متدهای ضروری و لازم بودند. اما بدون وجود اشخاص مخلص و صمیمی موثر بر افکار عمومی که مراقب و گوش هستند و فشار میاورند، مشکلات اجتماعی به حاشیه کشانده میشوند و از صحنه رسانه‌های گروهی ناپدید میگردند. میتوان درس و تجربه گرفت که شهروندان نمیتوانند موضوعات سیاسی مورد بحث را تعیین کنند. یک مبارزه دائمی در حال جریان است بر سر اینکه کدام گروه اجتماعی به سخن پردازد و کدام مسائل باید مورد توجه قرار گیرد.

hashem۹۱@hotmail.com

برگردان از سوئدی: هاشم رضائی

۶ مارس ۲۰۰۶